

سنت از دیدگاه اهل سنت و سیر حدیث از آغاز تا تدوین صحاح سته

استاد محقق حاج ملا عبدالله احمدیان

سنت واژه‌ای است مشترک و نسبی، و بر اثر نسبت و اضافه‌ها، معنای متفاوتی را خواهد داشت مانند: سنت الله، سنت رسول الله، سنت‌های نماز، اهل سنت و طب سنتی و غیره، اما آنچه عنوان بحث ما است همان سنتی است که به پیامبر ﷺ منسوب و همراه کتاب ذکر می‌گردد و می‌گویند: «کتاب و سنت» و سنت به این معنی، مجموعه‌ای از گفتارها، کردارها، رفتارها و تأییدات منسوب به پیامبر است که به «سنت قولی، فعلی و تقریری» موسوم می‌گردد. و پیامبر ﷺ همانگونه که خود این مجموعه را سنت نامیده و طبق حدیث مروی در مؤطای امام مالک^(۵) فرموده‌اند: «ترکت فیکم امرین لن تضلوا مامسکتکم بهما، کتاب الله و سنتی»^(۶) همچنین خود آنرا حدیث نامیده و طبق حدیث صحیح مسلم و بخاری فرمودند: «حدثوا عتی و لا حرج»^(۷) و «و رأیت من حرصک علی الحدیث»^(۸)

بنابراین حدیث و سنت هر چند بر حسب ریشه و معنای لغوی با هم تفاوتی دارند. اما از حیث مصداق و مفهوم مصطلح و عرفی، هر دو یکی و به معنی همان مجموعه مذکور است. و اهمیت سنت در دین اسلام به قدری است که اضافه بر اینکه خود، منبع دوم احکام،

اشاره: استاد محقق حاج ملا عبدالله احمدیان در سال ۱۳۱۹ هجری شمسی در یکی از روستاهای مهاباد - کردستان متولد شدند. ایشان تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مهاباد به پایان رسانده و برای ادامه تحصیل به کردستان عراق سفر نمودند و نزد علمای برجسته کردستان عراق و ایران زانوی تلمذ زدند. و پس از حدود بیست سال تحصیل در علوم مختلف از جمله: علوم القرآن، علم الحدیث، علم الرجال، تفسیر، کلام، فلسفه، هیأت، صرف و نحو، اصول، فقه و... تبحر خاصی پیدا کردند و به درجه افتاء و اجتهاد نائل آمدند. ایشان همچنین تحصیلات آکادمیک و دانشگاهی را نیز ادامه داده و در سال ۱۳۶۷ هجری شمسی موفق به اخذ دکترای الهیات و معارف اسلامی از دانشگاه تهران، با درجه ممتاز شدند و در حال حاضر به عنوان استاد حوزه و دانشگاه در شهرستان مهاباد مشغول خدمت می‌باشند.

حاج ملا احمدیان در کنار تدریس یکی از نویسندگان توانا و صاحب نام اهل سنت می‌باشد که سیزده اثر از آثار گرانبهای ایشان به زیور طبع آراسته شده است، از جمله: حدیث‌شناسی، قرآن‌شناسی، زندگانی حضرت عمر (رض)، تجزیه و تحلیل زندگانی امام شافعی (رح)، تفسیر سوره فاتحه و یس، تحقیقات و... هم اکنون ایشان مشغول تفسیر کل قرآن می‌باشند و همچنین دو کتاب از ایشان زیر چاپ می‌باشد که عبارتند از:

۱- سیر کلام اهل سنت (۸۰۰ ص) ۲- کلام جدید و هرمنوتیک (۲۰۰ ص)

با آرزوی موفقیت روز افزون برای این نویسنده و محقق چیره دست، مقاله ذیل تقدیم خوانندگان می‌گردد.

ندای اسلام

۵- مؤطای امام مالک ج: ۲ ص: ۸۹۹ کتاب القدر، تاج الحدیث ج: ۱ ص: ۴۷

۶- یعنی در میان شما دو امر را بجا گذاشته‌ام، مادامی‌که آنها را دستاویز خود قرار دهید هرگز گمراه نخواهید شد، آن دو امر، کتاب خدا و سنت پیامبر خداست.

۷- صحیح مسلم، ۲۲۹/۸ به نقل صبحی صالح، علوم الحدیث ص: ۸

۸- ارشاد ساری ج: ۹ ص: ۲۲۸

اخلاق و عقاید اسلامی است استفاده از منبع اول یعنی قرآن و تحقق منابع دیگر نیز مانند: قیاس و اجماع و غیره متوقف بر آن است زیرا به حکم آیه: «و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهیم»^(۱) تبیین آیه‌های قرآن و تخصیص عام و تقیید مطلق، بیان مجمل و تعلیم زمان عبادتها و توضیح شروط و کمیت و کیفیت اجزای آنها عموماً بوسیله حدیث و سنت صورت می‌گیرد، به همین جهت در چند جای قرآن، بعد از «اطیعوا الله» بلافاصله «و اطیعوا الرسول» آمده که در عرف مراسلات، گویی تذکر کاتبی را تداعی می‌نماید که، در نامه خود نوشته است: «حامل نامه هم سفارش است» و برابر این تذکر توضیحات حامل نه تنها قبول آن الزامی است، بلکه کم و کیف و شروط و علل و موانع برخی از مطالب اصل نامه نیز بدون توضیح و بیان حامل، در هاله‌ای از ابهام باقی خواهد ماند، پس قبول توضیحات حامل در حد قبول مطالب نامه واجب و الزامی خواهد بود، و قرآن در مورد حدیث و سنت آشکارا به چنین تلازمی تصریح کرده؛ آنجا که فرموده: «من یطع الرسول فقد اطاع الله»^(۲)

مبنی بر چنان اهمیتی که حدیث در دین اسلام دارد، پیامبر ﷺ در زمان خود، در عین اینکه مسلمانان را کاملاً به حفظ آن ترغیب می‌کرد و می‌فرمود: «نضر الله عبداً سمع مقالتي فوعاها»^(۳) همچنین مسلمانان را به نشر و تبلیغ آن تشویق می‌نمود و می‌فرمود: «نضر الله عبداً سمع مقالتي فبلغها»^(۴) و جعل حدیث را از موجبات دخول قطعی در آتش دوزخ به شمار آورد، و فرمود: «من کذب علی متعمداً فلیتوا مقعده من النار»^(۵) و در روزهای آخر زندگی، سنت را دومین میراث خود برای مسلمانان، و عدم تمسک به آن را سبب گمراهی شمرد.

پیامبر ﷺ هر چند در سالهای اول وحی، از نظر احتیاط و جلوگیری از آمیختن حدیث و قرآن، نوشتن احادیث را ممنوع اعلام نمود، و فرمود: «لا تکتبوا، من کتب عنی غیر القرآن فلیمحہ، و حدثوا عنی و لا حرج»^(۶) اما بعد از آنکه اکثر آیه‌های قرآن نازل گردید و جمع بی‌شماری آنها را حفظ کردند و نگرانی آمیختن قرآن و حدیث جای نگرانی نبود، پیامبر ﷺ اجازه داد افرادی -

نه همه - تعدادی از احادیث را به منظور کمک به حفظ آنها در چند برگی بنویسند و در این باره فرمود: «قید و العلم بالکتاب»^(۷) و همچنین فرمود: «اکتبا و لا حرج»^(۸) که این برگه‌ها را «صحیفه» می‌نامیدند مانند: «صحیفه ابوبکر ﷺ»^(۹) و «صحیفه علی مرتضیٰ ﷺ»^(۱۰) و «صحیفه‌های سعد بن عبادہ، سمره بن جندب و جابر بن عبد الله ﷺ»^(۱۱) و «صحیفه عبد الله بن عمر ﷺ»^(۱۲) که از بزرگترین صحایف و جزوه‌ها و مشتمل بر یکهزار حدیث و از معروف‌ترین صحیفه‌ها بود، که بعداً در مسند «امام احمد»^(۱۳) روایت گردید و حالا هم در دسترس عموم است.

ابوبکر صدیق ﷺ در دوران فرمانروایی خود، در عین اینکه در گرامی داشت سنت تمام تلاش خود را مصروف می‌کرد و روایت احادیث را ترویج می‌نمود در جهت رفع هر گونه توهمی نسبت به صحت احادیث به اقدامات زیر مبادرت ورزید:

۱- مردم را جمع کرد و به آنها توصیه نمود، هرگز دو یا چند مطلب متضاد را به عنوان حدیث روایت نکنید، زیرا علاوه بر اینکه یکی از آنها یقیناً حدیث پیامبر نیست نقل آنها موجب تفرقه مسلمانان در حال و آینده خواهد بود و در چنین مواردی فقط به قرآن تمسک کنید.

۱- سوره نحل، آیه: ۴۴ ۲- سوره نساء آیه: ۸

۳- سنن ابن ماجه مقدمه و سنن ترمذی ج: ۲ کتاب العلم، معنی حدیث اول: خدا بنده‌ای را شادمان و خنده رو سازد که گفته مرا می‌شنود بعد حفظ می‌کند.

۴- خدا بنده‌ای را شادمان و خنده رو سازد که گفته مرا می‌شنود بعد آنرا به دیگران می‌رساند.

۵- نزهة النظر ص: ۱۶۱

۶- علوم الحدیث، صبحی صالح ص: ۷

۷- جامع بیان العلم ج: ۱ ص: ۷۲

۸- محدث فاضل ج: ۴ ص: ۳۰

۹- تذکرة الحفاظ ذهبی ج: ۱ ص: ۵

۱۰- ارشاد ساری، ج: ۱ ص: ۲۱۴

۱۱- اسد الغابہ ج: ۳ ص: ۳۳۳، سنن ترمذی، مسند امام احمد ج: ۲ ص: ۱۵۸-۲۲۲

۱۲- اسد الغابہ ج: ۳ ص: ۳۳۳، سنن ترمذی، مسند امام احمد ج: ۲ ص: ۱۵۸-۲۲۲

۱۳- اسد الغابہ ج: ۳ ص: ۳۲۳، سنن ترمذی، مسند امام احمد ج: ۲ ص: ۱۵۸-۲۲۲

۲- در رابطه به دعاوی به ویژه قسمت مالی تنها روایتی را می پذیرفت که حداقل یک نفر دیگر آن را از پیامبر ﷺ شنیده و روایت می کرد، زیرا در جایی که برای صحت یک سند مالی به دو گواه نیاز باشد «واستشهدوا شهیدین...»^(۱) پس برای صحت روایت حدیثی که سند جاودانه همه سندها است چگونه نیاز به دو شاهد نیست؛^(۲) که در سده های بعدی محدثین آنرا درخواست متابع نامیدند.

۳- صحیفه ای را سوزاند که مشتمل بر احادیثی بود که نه از پیامبر ﷺ بلکه از اصحابش شنیده و کاملاً متردد بود که پیامبر ﷺ آنرا فرموده باشد.

عمر فاروق رضی الله عنه در دوران فرمانروایی خویش، در جهت اهتمام به شأن رفیع احادیث و حفظ حقوق مسلمانان، در امر روایت چند قدمی از ابوبکر صدیق رضی الله عنه نیز جلوتر رفت و احادیث تک راوی و بدون متابع^(۴) را نه تنها قبول نمی کرد بلکه روای را نیز مؤاخذه می نمود و همچنین روایت احادیث را تنها به عین عبارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم^(۵) (نه بمعنی) و تنها از اشخاص عادل و با تقوا و دارای قدرت حافظه و دقت کافی و با تعیین زمان و مکان شرایط استماع آن می پذیرفت^(۶) و با قرار دادن این شرایط «علم الحدیث» را پایه گذاری و به دنبال ابوبکر صدیق که سنگ اول بنای حدیث را نهاده بود^(۷) سنگهای دیگر این بنا را نهاد.

عمر فاروق رضی الله عنه اضافه بر اقدامات فوق، برای اولین بار تعلیم و تعلم احادیث و نشر آنها را در جهان وسیع اسلام معمول نمود و به این منظور شخصیت های محدثین صحابی را مانند: ابو درداء، ابوذر غفاری، عقبه بن عامر و عبدالله بن مسعود رضی الله عنه را از اطراف به مرکز مدینه فرا خواند^(۸) و با همکاری آنها و بقیه محدثین اصحاب، جمعیتی شبیه «انجمن محدثین» را تشکیل داد که در این مرکز احادیث صحیح را از روایات اشتباه جدا می نمودند، و یکی از اعضای اصلی را در رأس جمعی از محدثین برای تعلیم و تعلم و نشر احادیث صحیح به استانهای دور و نزدیک اعزام می داشت، همان گونه که به دستور عمر فاروق رضی الله عنه عبدالله بن مسعود^(۹) در رأس

جمعی به کوفه، و عبدالله بن مغفل همراه عمرو بن حصین^(۱۰) به بصره، عباده بن صامت و ابودرداء در رأس جمعی به شام^(۱۱) برای تعلیم و تعلم احادیث اعزام گردیدند، و فعالیت مستمر این هیأت ها تا آنجا جوامع اسلامی را سرگرم روایت و نقل احادیث نمود، که زمزمه ممتد روایتها در محافل مسلمانان، جای ترنم دائمی آیه ها را گرفت،^(۱۲) همان زنگ خطری که عمر فاروق رضی الله عنه تین ندای «رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجوراً»^(۱۳) را برای آینده ها از آن تداعی نمود، و به شدت هراسناک گردید و با توصیه های مؤکد و فرمانهای قاطع، جوامع اسلامی را به حد اعتدال فرا خواند و از این افراط ممنوع نمود، همانگونه که قرظنه بن کعب^(۱۴) هنگام ورود به کوفه با عبارات «نهانا عمر»^(۱۵) این توصیه مؤکد را به مردم اعلام نمود.

عمر فاروق رضی الله عنه نخستین فرمانروایی بود که به فکر نوشتن احادیث و کتاب کردن آنها بر آمد، ولی پس از یک ماه تردید و مشاوره با بزرگان اصحاب، با اعتقاد جاذم به اینکه نباید کتاب دیگری را در برابر کتاب خدا به

- ۱- بخشی از آیه ۲۸۲ سوره بقره
- ۲- تذکرة الحفاظ ذهبی ج: ۱ ص: ۵-۲
- ۳- تذکرة الحفاظ ج: ۱ ص: ۵-۲
- ۴- صحیح بخاری ارشاد ساری ج: ۹ ص: ۱۴۲ و صحیح مسلم ج: ۶ ص: ۱۷۷
- ۵- الفاروق شبلی نعمانی بخش دوم ص: ۱۸۷ و ص: ۲۸۹
- ۶- الفاروق شبلی نعمانی بخش دوم ص: ۱۸۷ و ص: ۲۸۹
- ۷- الفاروق شبلی نعمانی بخش دوم ص: ۱۸۷ و ص: ۲۸۹
- ۸- حاکم - المستدرک ج: ۱ ص: ۱۱۰ و تذکرة الحفاظ ذهبی مبحث عمر بن خطاب رضی الله عنه
- ۹- ازالة الخفاء ص: ۶، الفاروق شبلی نعمانی بخش دوم ص: ۲۷۹
- ۱۰- ازالة الخفاء ص: ۶، الفاروق شبلی نعمانی بخش دوم ص: ۲۷۹
- ۱۱- ازالة الخفاء ص: ۶، الفاروق شبلی نعمانی بخش دوم ص: ۲۷۹
- ۱۲- طبقات ابن سعد ج: ۳ ص: ۲۰۶ تذکرة الحفاظ ج: ۱ ص: ۷
- ۱۳- بخشی از آیه: ۳۰ سوره فرقان
- ۱۴- تذکرة الحفاظ ذهبی ج: ۱ ص: ۷ و طبقات ابن سعد ج: ۳ ص: ۲۰۶ و سنن ابن ماجه ج: ۱ ص: ۱۲
- ۱۵- تذکرة الحفاظ ذهبی ج: ۱ ص: ۷ و طبقات ابن سعد ج: ۳ ص: ۲۰۶ و سنن ابن ماجه ج: ۱ ص: ۱۲

مسلمانان معرفی کرد، از این کار منصرف گردید، در حالی که تلاشهای متنوع و مستمر او، حفظ و روایت مسلسل یک مجموعه معین و نفیس و غیر قابل تشکیکی از احادیث و سنت را در جوامع اسلامی متداول نموده بود. اما به دلیل اینکه عثمان ذی النورین رضی الله عنه در اواخر دوران فرمانروایی خویش شاهد بروز روایت‌های نادرست و ظهور فرهنگهای وارداتی بود، در یک عبارت، تمسک به آن مجموعه معین و رد غیر آن را واجب و الزامی اعلام نمود و گفت: «لا یحِلُّ ان یروی حدیث عن رسول الله لم اسمع فی عهد ابی بکر و عمر»^(۱) و به دلیل اینکه علی مرتضی رضی الله عنه در دوران فرمانروایی خود در خطبه‌ای - که بعدها در نهج البلاغه با شماره ۲۱۹ ثبت گردید - تلاش و کوشش عمر فاروق رضی الله عنه را در امر سنت ستوده و فرمود: «واقام السنة»^(۲)

در دوران بنی امیه که اکثریت عظیمی از غیر اصحاب به جرگه راویان احادیث در آمده و آگاهی از احوال آنان لازم بود، به وسیله سفیان ثوری و دیگران علمی به نام «علم الرجال»^(۳) تدوین گردید و اصطلاحات مرسل، مسند نازل و عالی، علو مطلق و نسبی، و همچنین اصطلاحات موافقه، بدل، مساوات، مصافحه، موضح، مبهمات و وجدان و غیره در میان محدثین متداول گردید؛ اما تألیفی تا زمان فرمانروایی عمر بن عبدالعزیز (م- ۱۰۱) وجود نداشت و عمر بن عبدالعزیز نخستین فرمانروایی بود که بعد از مشاوره با علمای عصر فرمان نوشتن سنت و احادیث را به همه استانها صادر کرد^(۴). ولی به علت کوتاهی دوران حکومت این فرمانروای دادگر و پارسا «دوسال و پنج ماه» تنها یک دانشمند بنام امام زهری رضی الله عنه توانست نتایج زحمات خود را بصورت کتابی برای او بفرستد او بلافاصله نسخه‌هایی از این کتاب را در چندین استان منتشر نمود، و اما هشام بن عبدالملک در دوران بیست ساله حکومت خود در جمع آوری و کتابت و تألیف کتابهای حدیث چنان نهضتی را در بین محدثین به وجود آورد که کمبود وقفه‌های سابق را جبران نمود^(۵) و در دوره عباسیان همان حرکتی که با صدور فرمان عمر بن عبدالعزیز آغاز شده بود سرعت

بیشتری یافته و کتابهای بی شماری در سنت و حدیث نوشته شد، از جمله ابن جریر (م- ۱۵۰)^(۶) در مکه، و امام مالک (م- ۱۷۹) در مدینه، و اوزاعی (م- ۱۵۷) در شام، و همچنین ابونصر عدوی (م- ۱۵۶) و سفیان ثوری (م- ۱۶۷) کتابهای جامعی را در احادیث تألیف نمودند^(۷) که از این مجموعه کتاب «مؤطا» فعلاً در دسترس دانشمندان است و مشتمل بر ششصد حدیث مسند و دو بیست و بیست و دو حدیث مرسل و ششصد و سیزده حدیث موقوف و یکصد و هشتاد و پنج فقره اقوال و آثار تابعین است که امام مالک این احادیث را از میان چهل هزار حدیث برگزیده است^(۸) منصور عباسی می‌خواست آنرا کتاب عموم مسلمانان جهان اعلان کند ولی امام مالک به شدت با این انحصارطلبی مخالفت کرد^(۹).

در اوایل حکومت عباسیان محدثین آگاه به کمک قوانین علم الحدیث ناگاه از جعل یک سری روایتها به عنوان حدیث با خبر شدند و سازندگان آنها که در حال بازجویی به جعل آنها صریحاً اعتراف کرده بودند به دستور حکومت اعدام شدند، همچنانکه منصور عباسی محمد بن سعید را به جرم جعل احادیث به دار آویخت و در زمان مهدی عباسی نیز استاندار بصره عبدالکریم بن عوجاء را به جرم جعل احادیث اعدام نمود.

در اواخر قرن دوم تدوین کتابهای حدیث بصورت مسانید (جمع مسند) آغاز گردید و اولین مسند به وسیله ابوداود طیالسی (م- ۲۰۴) تدوین گردید^(۱۰) به دنبال او

۱- مسند امام احمد ج: ۱ ص: ۳۶۳ و السنة قبل التدوین ص: ۹۷ و قبول الاخبار ص: ۲۹ و طبقات ابن سعد ج: ۲ ص: ۱۰۰
 ۲- نهج البلاغه، خطبه: ۲۱۹
 ۳- الکفایة - خطیب ص: ۱۱۹ به نقل علوم الحدیث، صبحی صالح ص: ۶۶
 ۴- صحیح بخاری در ارشاد ساری ج: ۱ ص: ۱۹۶ و طبقات ابن سعد ج: ۲ ص: ۳۴
 ۵- ضحی الاسلام ج: ۲ ص: ۱۰۶
 ۶- المبادی العامة ص: ۱۲۵ ۷- المبادی العامة ص: ۱۲۵
 ۸- تنویر الحوالمک، سیوطی به نقل از ابهری
 ۹- الباعث الحثیث ص: ۳۱، ص: ۳۰۱
 ۱۰- علوم الحدیث صبحی صالح ص: ۳۰۵

تدوین مسندها به حدی فزونی یافت که صاحب کشف الظنون مسانید این دوره را تا چهل مسند نام برده است، و در بین آنها مسند امام احمد (م - ۲۴۱) که تا امروز در دست دانشمندان قرار گرفته از حیث کثرت احادیث و اهمیت در دقت و روایات آنها رتبه اول را حایز گشت مسند امام احمد شامل سی هزار حدیث است که از بین هفتصد و پنجاه هزار حدیث برگزیده شده است.^(۱)

در اوایل قرن سوم، اصطلاحات حدیث صحیح، حدیث حسن و حدیث ضعیف وضع گردید و در محاورات محدثین به کار برده می شدند؛^(۲) حدیثی را صحیح می گفتند که افراد سلسله روایت آن کلاً متصل و عادل و عموماً اهل هوش و حافظه کامل بوده و حدیث را از پیامبر ﷺ نقل کرده باشند،^(۳) و علاوه بر این شاذ هم نبوده و راجح تری مخالف او نباشد،^(۴) و معلل نیز نبوده، یعنی از هیچ جهت مورد ایراد محدثین واقع نشده باشد. و حدیثی را حسن می نامیدند که از مجموع شرایط (حدیث صحیح) جز هوش و حافظه کامل بقیه را داشته باشد. و حدیث ضعیف حدیثی بود که شرایط حدیث صحیح و حدیث حسن^(۵) در آن وجود نداشته باشد، و حدیث ضعیف اقسام متعددی داشت مانند: مرسل، منقطع، متصل، مدلس، معلل، مضطرب، مقلوب، شاذ، منکر و مطلوب.^(۶)

تا اواسط قرن سوم، همه کتابهایی که تألیف می شدند در کنار احادیث صحیح بر احادیث حسن و ضعیف نیز مشتمل بودند و کتابی وجود نداشت که مؤلف آن تضمین کرده باشد که فقط احادیث صحیح را در آن جمع آوری نموده است، به همین جهت اسحاق بن راهویه، امام حدیث و استاد امام بخاری به شاگردان خویش می گفت: «لو جمعتم کتاباً مختصراً، لصحیح سنة رسول الله»^(۷) این سخن در دل بخاری تأثیر کرد، و او اولین کسی بود که کتاب سراسر حدیث صحیح خود را به نام صحیح بخاری تدوین نمود.^(۸) امام بخاری از یکهزار استاد، احادیث را دریافت کردند؛ از او نقل شده که گفته است: «ششصد هزار حدیث!! جمع آوری کرده ام و از این مجموع این کتاب حدیث صحیح را - که بدون تکرار

چهار هزار حدیث است - برگزیده ام.» و پس از امام بخاری (م - ۲۵۶) شاگرد وی امام مسلم (م - ۲۶۱) کتاب صحیح مسلم را تدوین نمود و این کتاب که بدون تکرار، چهار هزار حدیث دارد از بین سیصد هزار حدیث!! انتخاب گردیده است و بعد از بخاری بر همه کتابهای حدیث صحیح مقدم است. هرگاه در محاورات محدثین گفته شود «شیخین» منظور امام مسلم و امام بخاری، و هرگاه گفته شود «صحیحین» منظور صحیح بخاری و صحیح مسلم است، و هرگاه گفته شود «متفق علیه» منظور اتفاق بخاری و مسلم بر آن حدیث است. از امام بخاری و مسلم، امام ابوداود (م - ۲۷۵) کتاب سنن صحیح خود را مشتمل بر چهار هزار و هشتصد حدیث تدوین نمود، و بعد از آن امام ترمذی (م - ۲۷۰) و امام ابن ماجه (م - ۲۷۳) و امام نسائی (م - ۲۹۵) هر یک کتب حدیث صحیح خود را مشتمل بر چند هزار حدیث تدوین نمودند که مجموع این کتب، به صحاح سته موسوم، و مورد اعتماد کامل تمام اهل سنت واقع گردیده و اینک در دسترس همگان است.



پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 مجله علمی پژوهشی جامع علوم انسانی

۱- ذیل الباعث الحثیث ص: ۳۲
 ۲- الباعث الحثیث ص: ۲۱ و علوم الحدیث صبحی صالح ص: ۱۶۷ و الباعث الحثیث ابن کثیر ص: ۸۴
 ۳- الباعث الحثیث ص: ۲۱ و علوم الحدیث صبحی صالح ص: ۱۶۷ و الباعث الحثیث ابن کثیر ص: ۸۴
 ۴- الباعث الحثیث شرح علوم الحدیث ابن کثیر ص: ۲۱
 ۵- الباعث الحثیث شرح علوم الحدیث ابن کثیر ص: ۲۱
 ۶- الباعث الحثیث شرح علوم الحدیث ابن کثیر ص: ۲۱
 ۷- قواعد التحدیث ص: ۷۱ به نقل ابن حجر عسقلانی علم الحدیث ص: ۴۹
 ۸- دایرة المعارف، فرید وجدی تحت کلمه بخاری و الباعث الحثیث ص: ۲۵ و حدیث شناسی ص: ۳۱-۳۲ (تألیف نگارنده)